تابعه ذيل خواهد شد :

هرطيقه از معلمين مدارس داراي اسم مخصوص

خُواهند بَوْد از أينقرار ﴿ • ﴿ • إِ • إِ

هربك از طبقات _ مثلا اسامّی كه ما

در مقاله ديروز ذكر كرديم ـــ ممين

خوآهند کرد) ۷ - هريك از طبقات معلمين به

ورج المحال المحادا

ورجه سوم - درجه دوم - ورجه إول

إذ ابن درجات مربوط بأشخاص است

له بمقام و يك مقلم مبتواند أز نقطه اي

المنقطة وبالكر المملكت النهبر أأموريت بتبادا

عكشد جون ابتك مق دراجه اش للمبترى

المر برسه الم

المراجع المستعدد والمعلمين ورجور ينعهم أما يد

اد ۲۰ در - مد کلبه معلمین در او

عده معلمین درجه جهارم موجود ۲۵

رون د اون ۱۰ نځاوژ ک

المراه المعرود از (كلبه معامين)

دو مداوس ابتدائي ب املم معلمين بك

خوژه معارفياست شيدرا مدارش متوسطه

و و و الما معلمين و دود المخدمة معلمين

داخل درجه : پنجم ممشو ند ، حد ا ا قبل

الوقف در هزادرجه اسة خال وخدر كُنْش

پينج سال خواهد بو د .

من في ال القاعد الله دريجه مادون بدرجه

مافوق در اول حمل خواهة بؤد كمأني

که ایاقت مخصوصی نشان داده زندپساز

سه سال او قف در یک درجه شاهمین

كه محلى خالى شد . برحسب ابلاغ داره

معارف بدرجه مافوق الرقبع ببدام كمشد

سَا يُرِينَ ﴿ لِينَ أَرْهِ ﴾ أسال في قا أو نا يُه

درجه بالأن اراناء، متحویند ،

ر برا مدیران مدارس از بن مامین

هرجه اول و دوم سے برحب ب_خبش نهاد

رئيس معارف 🗀 اِزْ طرف وزير معارف

التخاب مبشوند و

بعد از ماده (۱۱) انسان انتظار دارد

و: عاايه نمام: معلمين مملكت .

پنج درجه لقم م خواهند شد .

١- أَزُ نَارِيخَ لِمُويْبِ أَيْنَ وَأَنُونَ

· (در این جا اسامی مخصوص برآی

۲ لنبه ۲۱ برج حوت ۱۳۰۱

من شاخل المتياز ومدير مسول ؛ داور نماينده دارالدو راي ملي

ران صاحه اول من معلی مطری معلی ۳۰۰۰ قران کرده کا سلمه دوم و منوم . ا

ي يريد درج ، محل إداره ، إ طهران خما بان علاء الدو له

فأوواشت يومنيا

مسلکت جین حورا دائما کرونار مسببت است ؟ قدري نامل كنهد ملتفت خواهدد شد ، بد بختی حِينَ - المعين هينج فرد معيني أبهت و إسلوب حكومت عُمُواب امت و ومستخدمين بدولت بمسابقه أدبى انتخاب مي شوند ، امام المُتَدِّا رَاتَ ادارَى ﴿ بَدَشْكُ الْمَخَامِي المعت كه جز -آدبهاك هبيع المفلى ُولُ ﴾ أَوْ مَا عَرًّا عَ عَلَى شود فاد به بختانه با ادبات هم حفظ أستقلال نمی شود گود باشما خبر دارید سے سال قبل ژاہون کرفتار جه

وكه في امروز ما همه السجه يك أَمِرُ أَعِنْ : كَذَهُمْ دُا عَبُ زُديمُ

المتعاهات واخلي بود وحة بلباني

الوقعيم والمراجعة ب معليكت إعما عبد اجزء أين علاج الخارد : و ا كر منه ما الدر ميد -معلم استسد قول من به 12 Till stoppe that Exist المراكز المن ما نعبود ب ملاكران لل يتفاوط بالعد و وتبية فيهم على گویم ۱۰۰۰ امیر البحر وایتو ۲

ويعت و محت مال در اور به - امين البعر بين م يومن نوشت . " فرها ده بعر به جين عقيده قشين عليه خوم را تصديق كره را خير نس دانم - سنيز خال منل ه ملي ما زير بار قبول ابن قماش أصابح ندي

ووه ملتی که سال ها – شش هزار و مناه شال ا سنا أبيب أو منفر ل و جسابي مانده براي چه نو بشود ؟

مُعَلِّتُ الرَّالَ الزَّمْ بَدْيِكُرانَ المُتَدَابِكُنْد ا ر بقوال ریکی افز کیلین بکسی که همچو ، والمي بيش باشيه ما مي كذارد بايد المنت المود خلت را اب بكن ا ايراني آبله و مياه زهم وانشك مروا مي يذيرد - از روسي خاك

و هو ايدن و سو طويله بنت نشدن

إلط تدارد عج راه ال بروزه وارحاض النت بك ماهد برود = و بهن کاآت دیکرے مم که بکو ٹی کن معمنواهد داد ولي من ديكران ے منہ آدم ہے زند کی کردن را نباید از او تو تم، داشت 🕟 نه 🗕 طاقة ادم شدن ندارد . بي فايد .

المدار نكن .

Same the same the same of

البته در ظاهر همه ممترف به ها، اروپائی هستیم نتایج علوم جدیده بحدی معسوس است که مُذِالُ الْمُلُو يُرَالِي مُنْجَ كُورُ سُنِّ لَنِي ما ند ، أما در مل ع ما جت به ا تفكار ليمت ساها از بيخ حرب می شود. و بریش هر چه هامر آرو پائی ات می خندیم الله مغرب بايد وندكي رل روي سي و کار گذاشته می گرید 🕏 پنج ممله من با هفتاه چرخ هر روز پازده كرور سنجاق مي اسلاند ـ پانزده کرور ا کسی مرد منامله و رقابت و هم قدمی با من است که با همین سبك من كار بكنده . ما كه تا كاكل توسيه اد اد كد رُده أيم - يراب هفت سين -

اول سالمان کلیم باید کر و دهیم -از فشار قرض قوز هر اورده الم المما لعبت ها ما بن حديف اعتنا نعي كثيم و مُوافق فكر پُوسيا هُ خُودمان بخيال أصلاح اقصادي مي افتيم . سے وایے بر کسی که افکار ما را نهسندد – ماریقی راکه به عقل دیمی ما رسیده ره کند و بکوید :

حرف هائے شما پوك است -اصول اقصادے بر خلاف نظر شما حكم مي دهد الله مسابقه جرخ و الكشت ممكن أيست • حالا كه عستخدمين دولت را مجبور به پارچه وَمَانِي كُرُويِدِ ــ نُكذَارِيدُ بِنْهُ شَمَا مرای نخ شدن منزل ها روی شر برود و درياها فتور بكند تا بارويا

برسدو مركر دد ن كارخانه بياريد = همين جا نخ درست کنيد، مچرخ بیارید – با ان پارچه بیافید . الله بلی 🖰 وای در کسی که بکوید

اول اصلاح اقتصا دسیه .

the said way.

بارچه قست باف وطنی ترویج کردن نشان و مأن پرستی نیست . علامت بی المنوادي امنت الاحراب المعادية بالمج

To Jan by the Line of the Late of the Late

عيديد ساست ورفارها رواله THE HEAD STORY THE STORY النسيقيا وانقره وما رول ويعد غ يقير أبر أن تابطور خبر معتقبم بدر مالله عثما ني ذي علاقه است الله الله المراودة آرابه شوق وسملي در آن نجاه بازي مبشود ما ا باید خدم را نجا دوسته جو ادای که وخ مدهد مورود او جادام قدان دهيم زيرا جوادث عثملني فبلعا در اوضاع ما دا تراني خواهد داد دي المراهدي ديروزييسم ممكو خلاطه مندرجات

جر آید آ نفرج و حکو نکی ایکار عمو می ، آن خارابياخير واد بموجب آن اخبار جرآبد و افكار عَنُومُني عَنْمَا نِي أَبِرُ خُلَّا مَنْفَهُن هَـَّالَدُ وراى لخفيف الريكة المايلات فعلى عبرايدا طبعا تتواهند كردا

الله والعالمة الداد كروور مكر بديس وال مراجعي عبس واشلمه لله عدما في نه يك قدم بيوى ليج رفته منه أبطرف جنك ابن اظهار ببشتر موجب نوحش استو مبرساند که جنك حدريي ممكن الوقوع است از طرف دیکر بموجب اخبار آژائی أماكو فأشبغ أسنوشي بالمت جبهة موسل هزيمت کرد. از اين رو معلوم مي شود جبهة جنكي وجو معارة ، ادر عكودستان هُمْ ﷺ وَأَرُّهُ إِنَّ اللَّهِ عَوْ إِينَ رُونَى مُهِدَهُدَ كُمَّ ا قطما در الوشاع ابالات سرحدي ما بي الر تعواهد أبود أن المعالم الم خلاصه در إطراف ما آنش خانه تمي كندية بايداز خال باقداما لي مبادرت حَوْلُهُمْ ۚ كُمْ فَرِدَ أَنْبُوالُهُمُ بِأَ تَحُوا دَتْغَبِّرُ ۗ مترقبه مواجه شويم الاست المستحدث

برای این که روش و طریقه مشی خؤد رابدانهم بإيد عقايدو افهار همسايكان لَمْوَ دَاسَتُمْزَاجَ ، كَنْهُمْ دَايَنَ كَارَ ارْوَطَا بِفَ ووات و نما بنده کان ما در خاراجهاست

قانون استخدام

بنا بار آنجه در مقالهٔ قبل که تبم بادم (۱۱) طرح ببشنها دی میدل به شش

العارجة المعارجة المع

۲۲ رجب العرجب ۱۹۲۱ (۱۲) بارس ۱۹۲۲

و در ال المال الما

with the selection of t

قَمِمَتُ لَكُ شَمَارِهِ لَمَا يِكُ مُمَارِهِ لَمُ يَكُ مُمَارِهِ لَمُ يَكُ مُمَارِهِ لَمُ اللَّهِ المُعَالَى

مَنْ الْحَلَمْ الْمُرْانِ مِنْ ١٠٠٠ أَرَانَ مِنْ ٥٠ قَرَانَ إِنْ مَنْ مِنْ اللَّهِ مِنْ مِنْ اللَّهِ

این روزنامه بدنون؛ تاخای، کتبی برای کسی ارسال مهنود

ر مد ری واکر بو نده این از داو استون بهشتر انهاید مدارد داد داد داو استون بهشتر انهاید مرد و زن همه مهتوانند در این منابقه شرکت کنند ! بهمور بسه جوابی سکه از همه بهتر بود سه جابزه ذیل نقدیم خوامد که با حایزه اول _ بك جعبه سبكار خالم كاری برای روی ميز : معایزه دوم – یك قاب عکس خالم ه حایزه سهم – یك جالد کلمات شهنج ه حواب ها نار آخر حوت باید برسد .

هفته آلبه نتبجه مَمَا بقه شوهر خوب أعلان و جايزه ها ثقديم خواهدشد John Mary Walter Jan St. M. W. W. Marie Landing

القباس عقوق (اشل) الرادر مقابل موجات بببند متاسفانه در فسل دؤم اسمهار آن برده نقده فا فقط در او اكر طرح بيش نهادی در این موسوع مید ماده د کر كرده الدمام بزائي ابتقار فراث مارج نشويم - وقتى بان مؤاد وسبعانم اظهار عقبده خواهبم کرد ه 🤻 معل

أينك ماده (١٧) كُلْرُخ بَيْنَهَا دِينَ ا المر مو عريك از معلمان اول المارس ابتدائي كدامتحان معلومات شقيه متوعظه داوة المعادين ووا تعدمه مرة لواند معلم الماج المدرسة متوافقه المحدود والمراجل الله معلمين مدرسه متوسطه امتحان معلورات عبه ما ليه حارب المعلمين الرامعه من اواند معلم تاني مدرسه عالبه شورو، وأهر يك از ابن ها شقونات بما كون فارغ التحميل دارا لمعلمين را خواهد واشت المن معتبده في ابن ماده أمر يوط بقا نون استخدام معامين نبث زرز داخل معبج يك از اسول جهار كانه كه در مقاله ندره ٥ يا كر كرديم نمي واشد. الينه هر کس می اوانه مطابق مواد اولیه همين وأنون امتحان داده داخل معلمي

المجان وإليل مختص بمرجه معبني الرُّ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ عَمْمُمُ مَن است امتحان داده ومعلمشد .

م در حقبقت این ماده باید به بس از حرح و نعد بل جزو نظامنا مه ای شو د که وزارت معارف برای اجرای قانون استخدام معلمين الهبه خواهد كرد ا مناده على اين عاده على المناده ما ح بالد نوشت هركاء معلمي بويتبله امتحان أَرْ طَبِقه اي به طبقه بالأثر الرافاء بإفت ــــ مثلاً از المعلمي مدارس ابتدائي بمفلمي دَوْرُهُ إِلَوْلَ مُدَارُسُ مِنوُسُمُهُ مِنْ مَا اللَّهُ مِنْ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ مِن اللَّهُ مُن اللَّهُ مِن اللَّهُ مِن اللَّهُ مِن اللَّهُ مِنْ اللَّالِمُ اللَّهُ مِنْ اللَّالِمُ اللَّهُ مِنْ اللَّالِمُ اللَّهُ مِنْ اللَّا يَّجُمُ آنَطُهُ خُوَّاهِدُ شَدْ وَلَى مُدَّت خدمت او محفوظ و در حوقم المبين عقوق نقاعدى منظور و محاوب خواهد شد وسير الملقي مو الأروزال صديق اعلم



از طرف وزارت داخله بحکومه

قوحان للمكرافا إمر شدكه مجلسي كه

در دار الحكومة إلتكابل أم وده منحل

تماید و در امر رات حقوقی ابد ا دخاک

داخله اطلاع مي دول كه بادارات امنيه

فظمهمه دستور داده يشدركه نهابت

مهاعدت را با مامورین مالیه در وسول

والبصال مالمات النفايند شارشها ينبه

المناف ال

his wish property on the change home

از منان بوزارت داخله رادر ای

رسهده بود که رئیس او قاف آنجا در

عضى أدورات لخيارج إز وظهفه خود

دخالت مي نمايد از طرف وزارت داخله

حبو زارت علومو. معارف و او قاف مراخمه

شد الجوابا اشعار المعنى دارند كا اكدا

بر أبس أو وأف أسمنان ودعن أشد كه

از غمليات بي رؤيه سابق خود واري

Marian was a few at the said

المراد و المقبب سادق والما

داخله الملاغ من دهد مح والمع بمؤملوع

سرقت های بین کرمانداه و بیرون

ا أدامات لازمه برأى كشف قضيه و

دستگری سازقین شده اند من دا پس از

حمول مقمود أطلاغ خواهم داد . از

طرف وزارت واخله بوزارت لهنت و

تمنب ال

اربت ــ درباب فضبه فنل - احي

الدكيراف مراجعه كرديد

حكوران كرمان شاهدان أبوز اوت

كُنْهِلُ حَكُومَتُ أَسَانَ أَوْزَارِتُ

To great or give a star to starting

وأراكسوراي خلامه مداكرات در جلمه يوم

يك شنيه ۲۰ حوت ۱۳۰۱ مجلس دو ساعت قبل از ظهر رياست آقاى مؤاسن أأملك لشكيله شد مندوا زايرت كممهون بودجاراجم به ماهی دو هزار لومان کسر خسرج دربار سلطنتي مطرح و ماده واحددديل قروا آت کر دید

ماده واحده ـ وزارت مالية معازاست كم از اول حمل هذه المنهايت تبل ۱۳۰۱ ماهی ده هزار تومان کسر ا و دجه دربار سلطنتی را پر داخت

مختصر لوشبح داده شده و باورقه اخذرای کردیده از که نفر نمایندکان خاصر باکثریت ۹۰ رای اسویب شد مودجه معارفاز ماده ۱۱ مطرح وبشرح ذيل فران عدا ١٠٠٠ ١٠٠٠ ١٠٠٠ المادة ١١ مدارس شش كلاسه الله من الله الله مع الله معدد الومان حوق منا لفي تداشت اخذ راي شده المويب كرديه إساء والماء والماء ماده ۱۲ _ مدارس بنج کلاسه يَّهُ كُورُ مِجانِي ١٠ باب ٢٤٨٠٠ نو مان 🔐 يعد إذ مخصر وضبحي اخذ داى قهه صويب شه ماده ۱۳ ـ مدارش شش کلاسه ا زات ۹ بأب ،۷۷۰۰۰ و مان الله ودری مذاکره و اخذ رای شده المعويب جديد المستميلة المستميلة

شاه، ١٤ ــ مدارس متوسطه طهران و دار المعلمين ٨٠٢٠٨ نو مان ، و جهار غران . يو م المستاد كا المتاهدة از قدری مذا کره صوریب يمكرديد والمراجعة والأرامة كالاا عادة مع المدرسة دار المعلمات

مُعَمَّةً فو مان المحالية المح الله ١٦ ــ مدارس خومه؛ طهران ١٠٠٠ نوان الله المال ور این قو ماده حون مخالی نمود أخد رای شده فنوین - کردید این

سق تنك بلور

(از عُمليات آ رسن لوين)

از خودت میرسی که برای حد من به این نوع

كارهما دُخَاكَ مَهِكُمْمُ لِيَهْمُودُهُمُ وَخَمَتُ مَكُسُ وَا

وَ عَلَمُو وَلَا ۚ وَإِلَّا مُعَالِمُ اللَّهِ عَلَيْهِ مِنْهُ عَلَيْهُ مُسْرِطً مُسْرِدًا

ا. و دو برك كفت : پس معلوم مېشود مېكو كني

خواب داد : بای ، شوخی نمیکنم . چهل و

ینج پارجه اسیاب، در انباری منفی است، اکر

امت ساعت نه ، طبل را ، به آدر سی که معین

می کنم ، آوردی ، آنها را لیمویل خوا ملی

Jan 188 . W. Think a to the St.

و ما دو برك ، البته شرط لو بن را قبول حق

جَمُودٌ أَنَّ زُيْرًا فَقَطَ بِرَاى النِّكُمْ بَهُ مَادَامٌ ﴿ مَرَثَى * ا

مُ الله الله وارد آورده باشد ، پدرش ادردیده

مورد، و اکنون سدید که از دوری پار ، مادام

و مرزى ، اقدام به أنتجار نموده ، بنا بر اين چه

Jacob Marie Marie

الده ١٧ من الماد مدارس ماي

شده الصويب شد 💮

(امانه مدارس ملی) صحبح است و نصد أو مانهم بايسته باين مبلغ علاوه قدوی مذاکرهٔ شده و آقای وزیر معارف لقاضا کردند ۲۲۰ لومان براین لده و به العوباب و اشخیص شورای عالى معارف به مصرف كسر بو دجه مدارس ميلغ افزوده شود مخبر كمنبون اضافه را قبول وبااین اضافه اخذ رای شده پس از مختصر مذاکره از طرف they you will also will be a fine of the

یکی از نمایند کان پیش نهادی شد که ماده ۲۳ - محصلین خارجه ۲۷۹ شده لهویب شد 🐧 د ۱۹۸۶ 💮 💮 الله الله وزير ممارف اظهاره داشتهد كه حند فقره از قلم افتاده است وخوب

الماده ۱۸۰ ـ مدرسه دار الفنون ۲۰۵۴ و مان 😲 💮 💮

1817.

دادند که مبلغ پارنسد نوبانی که نوشته

شده (اعانه مدارش فوق) اشتباه و

مخبر كمابون بودجه لوضيح

آقای وزیر معارف در خفنوس معلم آ قبول ننتو ده و پنتی از مقداری مذاکره باسل ماده اخذ رای شده نصویت کردید حقوق مُدنى اظهاراني داشتند كرآقاي ر أبس فرمو دند جون ماده به ماده راي داده می شود دولت می نواند آکر سسم آقای وزیر معارف نقاضه کردند لغبيرا لي والإزم مبدياند بدهد 🛒 پس از آن بما د. اخذ رای شده أ که ماهبانه ۲۰ نومان که از حقوق شبخ

سادق مفلوج کس شده است علاوهشود در این موقع مجلس برای انفس این علاوه زا کسمون قبول و به میلنم اهطهل و مجددًا مقارن ظور نشكهل ا ۳٤٩٨ لومان اخذ راى شده الصويب شد 🏃 ماده ۲۰ ــ اعتبمارات و مصارف ماده ۱۹ مدرسه طب ۱۹۸۰ ۱۲۹۰۰ نو مان الله ۱۲۹۰۰ م آقای وزیر، معارف در این ماده

يَسُ أَزُ قُدُرَى مَذًا كُرُهُ أَخَذُ رَاي و المان داشتند بكئ ابنك مُعدد لومان اعتباره برای جشن سالبانه که از قلم عَادَهُ ٢٠ اللَّهِ مُعْرُرُهُ مُؤْرُبِكُ أَمَّاهُ ۗ افتاده اسْتَ علاوه شود و يكي ابن كه و مان و یك قران و دو بنت دینار ٨٠ أو مان حقوق منتش سبار كا درنجزء حَوِنَ مَخَا لَهُي نَبُودَ أَخَدُ رَأَى شَدَّهُ بودجه ولايات منظور شده حزء اين اعتبار المنظور الكرفاد المالية المالية المالية

ماد ۲۱ ــ اعانه مدارس خارجه الله در ميز ثبات ماده ودرى مداكره

شده ویکی از نما یندکان سؤال کردند آ قای وزیر معارف در جواب یکی کی اولا این یکتوما نی که از هر یك از نمایند کان اظهار داشتند که این ا نفر شاکرد در موقع امتحان کرفته می اعانه برای نشویق داده می شود و بعلاوه . مفتشين ما وراى نفتېش بأن جبا مېروند و در فحت نظر وزارت معارف هستند

شود بكارام خياب مبايد و ثانبا ابن سه هزار تومان اغتبار کشاینها در کدام . كتابخانه ات - آيا تنابخانه ايدت آقای رئیس در جواب اعتراض آقای در وزارت شمارف است یا کتا به خانه مهارف الدينُ باينك مدرَّسه أرا منه جزو مدارس الست المنسور الماسية ال دَاخْلَي استو دَرْ أَيْنَجَا دَرَ جَزَءَمُدارِسَ أَلَيْكُ ﴿ آقَاى وَزَيْرَ نُوضِحَ ۖ دَادَنْدَكُمْ آن أخارجه ذكر شده است اظهار داشنند أ وجه باالمويه بين ممتحنين كارحمت مي

ضرر داشت که د زاله و را به لوین دادمو اتاتیه

کرانیهای خویش زا دریافت دارد ؟ این داری

٠ (نوین) ، سیم کی ایسی کی ای

و فيترسيد : اكن من المنشى وليس يعني مسبو

پراسوایل ، را عوض خودم ایفرستم خه خواهی

حواب داد: اقبار طوری ساخته شده است

كفت : اينكه بسبار آسان است . اول اشباء

و كِبُلُ كَفَتْ : مُعَاوِم مُمِشُودٌ لُو هُو خَبِرُ رَا

يَّيْسُ أَبَّهُمُّى مُهِكَمِّنِي الْمُأْرِسِهِدَارِ الْخُوبِ ﴿ مَعْمَثُنَ ۖ بَاشَ

كردم معتما انبار را آن خواهم زد و هرجه البتو كفتمكه وكلاريس، امتبطفلشراخواهد ديدًا

که اکر د پراسویل ، را بفرستی ، من بخوبی او

وا دیده و فرار خواهم کرد و ای بدان ایکر فراد

در آنجااست خاکشرخواهم نمود .

که او در آنجا دامی برای من نکسترده و

ا را المحويل بكبراً. ثقد طائل زارد كن .

Call of the Water

داشت کن : نمزه هه ، کوچه و شارلافیت ، ،

يَحْمُ كَفِتْ : شرط ثراً قَيْوَلُ دارم . ﴿ إِنَّ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ اللَّهُ اللَّ

که انظ داخله هم علاوه می شود . إس از آن با ابن املاح اخذراي

پس از کافی بودن مذا کره آثای قاده ۲۲ نے محسلین درخلیه ۲۷۰۰ وزير معارف يبشقها دكردند ك ماهي ۸۰ نومان حقوق مفتش سبار از قسمت ودجهولايات كسروجزء ابن اعتبار منظور

: پېشنها د دېکري کردند که حقوق مبرسید علیخان -و پدرهای مبرزاسلیمان خان ـــ و پــر مېرز اقاسمخان سوراستا فېل جزء محسلين خارجه منظورشود

کشند ابرای اطلحان الدیم آمیشو د

در وزارت معارف است المالا

این اعتبار همبرای کتا بخانهٔ ایست

وقسمت اول رامخبر كمسبون بؤدجه و کول پُرای مجلس و قدمت تمانیرا لقاضا كردند به كمسهون أرَّجاعُ شود أست علاوه شو دَــ كمسبون اضافه را حون بكماعت از ظهر كذشته بودمجلس فتم و خلسه آلبه روز سه شنبه بقد از ماده ۲۶ 🗕 حقوق متقاعدین ۲۲۵۸

آقاى منصورا الممالك لمقاضا كردند ایحه کارد شهری جُرُّو دستور زوز سه شنبه باشد والمراجع المائد آ قاىوز برما المهلايحه يكصد هزار لومان برأى أماشة و أعمار إمالي أرومه لقديم دانتد س المراجع المحدد فيوسو المادم واحده واجع بخرج معافرت مخارج فعلى مستشاران امريكائي قرائت بَهُ رُوزُ مُ مُ شَنْبُهُ مُو كُولٌ شَد دُسْتُوْرِ وز سه شنبه اول بحث بووجه معارف تا نبا مخارج ٤٨ هزار أو مان داجع بمستشاران امريكائي ثالنالايعه كارد شهري وقانون

كه أمشت در ساعت معين طفل را أو خواهم سيرد: إ را خلاص كنم ؟

و (كلاريس) زند، خواهد ماند ، و اي حالا بتو

لمبحت مبكنم كه هرجه زود نو خو درا ازابن خانه

ببرون انداخته فراد کن دریا یا ماسته ایمان

کفت: حالا هنوز زود است . پرسید : چطور ...

حواب داد: مبكويم، هنوز زود است الله

كفت : مكر ديو انه شده ؟ ﴿ پراسويل ما لساعه

خوابداد: او ممكن است ودرى مدر بكندكار

كفت إنجملور ؟ حطور؟ لوديكر معكار دارى

من هنوز نمام نشده أن الله مؤلمة الله والمراجع المراجع المراجع

و المجواب داد: و و ديكرش دا مبخواهم الهجور

كفت : د ژيلېر چارا مېكو ئى ؛ 🐣

حبواب واد : بلي .

ورسهد : من در باره او عبه مبتوانم بكـ نم ؟ !

کفت :مبتوانی او راخلاس کنی .

كَفَّتُ أَنَّ عِنْهُ مَهِكُونُي ؟ مَنْ مَهْتُوانُمُ وَرُبِّلُمِنَّ ا

شورای دو لتی معین کردید کی مجلس بكتاعت و يك ريغ رهد از and a state of the احار موی ا

المراق من الله المراق ا المروز بالنكا روز دوشنباق العطبل است نظر باینکه بعضی از سفرای خارجه از آ قای و آس الوزر اعتمانای ملاقات كرده اند امروز قبل از ظهر بهبئت وزراء لشريف خواهند آورد كداز نمآ يندكان

نظارت درخرج انتيخابات

روز كذشته يعداز ظهرد كشرمبلسيو . ئېس مالېه اېمچلس شوراي ملي براي كذراندن بكمدهزار لوماف اعتبار جهت مُخَارِجِ انْتُمَخَا بَاتُ بِمُجِلِّسَ "شُورُائَى" مَلَى دُرَ كمنهون تودجه رفشه بنود أزطياف ر ئېسا لو زراء مقرر شده است كه د كتر ا مهليو در مخارج انتخابات نظارت نابه pand Total

مركامورين

أروز كدشته منتر تجمين زاميس فالبه رباينجان بمنهبت مستر بانسدى مامور مَعَا بِنَهُ مُعِلِمًا مِي اشْفَالُ شَدَّهُ الْكُرَادِ بِدِاي القسم أعانة بطرف ليزيز عركت نمودند مر اخت عبدی

اذ طرف هُبِئْتُ وزراء تُسُويبِ شد که میلنع دوازده هزار و بان از بابت عبدى اجزاء جزء وكل اداره للكراف انه پرداخته شود

الوضيعا اعماد مكدا ويم كه أين مبلغ مطابق بكعشر حقوق اجزاء الكرافية أنه است ور شماره كذشته ك اوشته بوديم ابن مبلغ مطابق يلف اللت حقوق آنها است اشتياه مدهاس

نكذيب رسدي عث بموجب الحلاعبك از كأبينه راسد وزواء عظام رهبده بن از ومؤل خبر يا قتل شبع مصوفه معلوا اطلاع وسيده است كه قتل منار البه المنتقل نب عاملا

يس ألا زدو شنووفي كا با عبدات شد استقلال کرد آموده است فراده منواری عده ات المانه كنفرافي

مطابق الملامل كم أز مكوبدول وسبده ات كنفرانس لجارت شوق ك ور مكو انعقاد يافته بود بي از يك سلناه المذاكرات معاراتي بالمعتوراتنا أيده دولت ايران خانه وافت م

جُوابِداد :المنه، خلاصي أو بدنه أسفياًراه،

به مفت الرَّحْبِس تعجات دهم ؟ آيا مثل من كهي،

حاضر می شود که فقطازراه شرافت پسر اکلار پین

آزاد کند ؟ خبر ؛ خبر ممکن نیست

آنه انتشار خواهم داد .

فساس ذلل از وزارت داخله بحكومت قوحان دستورا العمل داهم شد كه دوسية قيالل اجمعيل عطار را بإداره عدايه احالسه المودة پس از آن ارجاع بمحض شرع در خالمه امر آنجه از محدر شرع حکم مادر کردید در باره قائل مجری August Au

المارت امريكا بالمارت - المربع والربي كه أذ امريها به وزارف خارعه رسهده مقدار لجازت نقساني أيبافته لمجارت خارجي أميال بالغ بر گشی ملبارد و سیمد و هنناد و ۱۰ مابون سنطيل من هفتات و هفت طبون دو لارسا در م

in the same

و ولار امت کم از آنجمله دو ملبارد و فيهاشه فجارت خارجي سال كذشته بإلغ بن مه ملبارد و شفمدو پنجام و جهان المستحد كدبون راه آهن مليون مولار آن واردات وشش بلباردو المانسد و شائزه، ملبون دولار قادرات بوده و آخرين أخافه خادرات بروار دات إمال بك ملباراً في بكشدو شمت جهار مليون ولار در مقابل دومليادد وجيت سه وهمت و دوملبون دلارسال كذشته است و قستی از این انانه بواسله

وروق حمار بد وجبل و نه ملبون دلار طي فره المديل ديد است ، اوضاع بانكها

المتوافق المرب

عراحي بما نوشته اند كم بان عبارت شروع مبشود : ر شوهر خوب ۴ من هر قدر فیکر کردم هیچ میردی را بخوبی خود تعديدم ـــ والد، باقر هم لصديق دارد كه شوهـر خوب بعني مخلص م در اين " صهرت الجازه بدهبد صفات خودم را بنويسم و كار همه را سهل كنم : پس أز آن کے خانمها فهممه ند بهترین شوخر های مملکت به بی مخلص چه مقالی دارد من بعد مَهْرَ وَقَتْ مَمَا بَقَمَةً بِهِشَ 7مَدَ صَفَاتَ مَرَا الْحَوْبِلِ خَـُواهِنَدَ وَا بِي زَحَمَتُ عَبَا يَرْهُ

كرَّجِه توبِّسنده بو جُدى حرف نبيز آند و لي شرحي راكم توشَّته دَرْشماره

ا بانکهای امریکا بمراک بهتر آز سال كذشته است جزانكه احصائبه بانزدهمهاه أنهصد وأ أوزده أهزار دو لار مي باشد الاوه در هذه المنه دو علمارد و شني و هُفَتْ مَلْبُونَ أَدُولَارَامَا فَهُ أَرْسَالَ ۚ قَبِلَ مُوذَّمُ أَ در بانکها امانت کندارده اند پرده برد

المن المنام ال دجاو الوابح روز كذشته منصور ألسلطنه معاون وزارت عدابه أبتبك وزراء أمده بؤديمه شَهْ آلبه و بمضَّ لوا يَحْقُ كُمْ أَخْبُرا از طرف وزارت عدلبه براى تقديم بمتجلس شؤرای ملی نهبهشده آست برای مراجعه يهميه و هنت ملبون دولار وارده وسه المبقت دولت نقديم آقاى و نبس الوزراء ا

ووز كدشته كيسبوني براى نيويه مورات راه آهن جلفا دروزارت خارجه عکیل کر دیدہ ور نفاریات خو د شان ر قاي وزير امود خارجه رأيرت دادندأ لم بنار كذارى ليريز أبلاغ شود

ووز كذشته لأيخه قا نو ني وإجم با منم ورود أشيأء لجملي از خارجه إيران که در وزارت فوائد عامه و نجارت نهبه ب شده بود بهبات وزرا تقدیم کردید که و نبن رابرت رسيده كي وضعبت إن از مطالعه بمجلن شوراي ملى اظها هاشتند در مقاله نصريَّحا لي باسم

القديم فارند من المناسبة المنابة المنا اشيخاص لبوده والمقاهبه كملي أزا تمئي لدلايد ماموريت شود درباره اشخاص الطبهق المودبعلاو،

آقائ فلمة يأتفن البيئة أخود رأ فشمول انظر فاينكه عما قريب ماموريتمامورين مُنَاوَيْنَ مَدْمُونَهُ مَقَالَةً مُرْبُورَ لَمْنِي دَالِئِلْد اعزامي ووسهة بسرحد أبريز أمام مهشود العطالب بطور كلي بولده است و اكر ازنارف کار کدار اردبهل بوزارت خارجه سائله المحمّن كه آقاى فلساني هم قار درو بېشنهای شده است کهجون هنوزامورات أيشال بوده العقب شود كه إيا - بدلاح ا راجعه باختلافات ببن الباع ايرانوروس مملكت أبوده. فهرا مجازات ها أي به لسويه نشده باسفارت روس مداكره أتلخلفين أحجرا أني متوخيه خواهد ساخت نسائید کم مدت مامورین خودشان را أَيْنَا بِمِ أَيْنِ أَصَلاحًا أَرَّا أَوْ أَوْاتَى فَلْدَانِي لقاضا كردند كه نسبت بمفاله كذشت ميس طبع أهرفه انتخابات مردها اغماض ما ينَّد إعلان النفتسيُّ ميوا كمه 140 as 400 1 45 osl. make the first of the se

الأروز كدشته الأطرف وزارت داخله بمطبعه متجلس داشتور العدل داده شدكه اوراق لازمه ونتخابات را با اوراق المرافه زوَّد أَرْ طَمِعْ تَمَايِنَد بِكُ يُولَايات إسال مبتامبر امسال معلوم مبنما يدعوا لديانك اكرددا أن المواد المانك

المسبون سرحدي السادي blood of the asless of the أمطأ بق را پر ایکه از سرحه بوزارت شریعه در. زوزیك شنبه ۲۲ رخب معاكمه اخله رسهده كمسهون منعقده در پهلهسوان بين ﴿ قَائَ فَلْسَفَيْ ﴿ مَدَيْرٌ حَبُوهُ جَاوِيدٌ ﴾ که مرکب از نمایند کان دولت ساوت رُو مُدِّمِينَ عَمُومَيَ اسْتَهِنَّمَا فَ ﴿ إِ مُدِّيرٌ وس و دولت ایران با حضور کار گذار ! روز نامه کلشن) بود پله وا محکمه ارديهل بؤد لتكبل شد پش از مدا كرات رسمبت يافته ادجاه بنامه مدعي عمومي و ازمه السميم تمودنه كه براى أختلافات خموس قرائت کردید و کیل مدعی بَبِنْ رَمَّايِاي رُوسَ وَ أَيْرِانَ مَقَاوِلُه عَامَةً أَ جليه از اعتراف بجرم خود خود دارى لهبه و الرابب الما يند كه كلبه اغتاى ندوده اظهارانی نمود مبنی بر ایا ک كمبشيون أمطا أما ينسد و عموم الباع . مِقَالُهُ مُورِدِ شَكَابِتُ مُلْعَى مُوبُوطُ ﴾ يُهُ سرحدی روش وایران در آ لبه ازهمان آقاى فليفئ نبوده و مدعى معار البه قرار وفار تماینده المستناي اينك در مقاله اشاره بروز نامه نویس متحسن در خضرتعبد العظیم القاناي لتكبل صلحبه

شده اظهار داشتند که مندرجات یه آن حکومت کروس و حکومت معلات مقاله مربوط و متوجه بمن بوده لهذا وزارت داخله نتانا يكرده إند كه نخاخای صدور حکم نمودند در کیل مدعی علیه اظهار داشت و بوزارت عدله از آنوزارت خانه نا کد شودهر چهزود نرافهام در نتیکیل ملحبه مؤكل من يا مدعى مناسبات خديه داشته محل جای مزبور بنمایند که رسید کی و بعد از مقاله موضوع شکایت کی یه امناء مبرزا محمد على خان لفرشي بوده مو کلم شرجی در حریاته خود از مدعی السجيد نوشته و اين نسكته مي رساند

بامورات حقوقن بنمايند منع دخالت دُر امور حقوقي دُاخِلُهُ شُرِّحَ مُو كَدِي أَنُوشْتُهُ شَدُهُ مُو دَكُم

the same of the sa

احارواط

the little of the series

ا حاجي اسكندريس از اهقب دو نفر آسيا بان برای اطلاع از قضه مطاون و دوسه از ظرف وزَّارْت عدلبة به وزارت دوز است او قبفند ديروزعص نايب على نا بب نظمهه وحس آقا برادرزن مشارا ابعرا عدل الدوله حكمران فوجأن مجدي در الحكومة لتكبل داده و به امورات الهم از طرف اداره حكومت لو قبفت نموادند حقو قي رسيد كي منمايد وبرابس عداية امروز حجمعي از ورثه و سكان معتول دخاك نميدُهد . المحتال المحتال المحتال المحتادة المعام خبال المحتن دارند

> كفت : كارى رَّا كُهُ وَ إِرْ أَسُو بِلْ عُ وَرَّ فَعَا بِشَ • كلاريس • و ديگران نتواندند از پيش بيرند

ست، معلوم مېشود نوبا ديکران فرقي داري ج

مقاله أوليه واجع يمدعني تبوده ويطور

من آقاي مدعى العموم استبناف

کلی بودهٔ است 💸 💮

حَوْابُ دَادُ : ﴾ آنو قت جنك بين ما شروع مي شُود و نو حَتَّمًا مَعْلُوب خُواهِي شد .

إسروات داد : بدينطريق كه مورت و بمتو هفت نفر ، را از او میکبرم .

كانت : عَجْبُ ! مُكَانُ مَهِكُمُنَى مَهْمُوا نَيْ آ ارا جواب داد: بقين دادم.

من بهر شكلي م باشد اورا أز قتل نجات خواهم داد . پُس حرف مرا بشنو و د زبلبر ، را آزاد أَمَا . آنوقت منهم قدم ياد خواهم كرد . كه نوا أبكلي در عملها الت آزاد كذاشته ودابيدا وتعرضت اشوم ، فهممدی فقط خالاسی و ژبلبر ، کافی

ت و دو برك ، كفت : اكر او را آزاد نكس خِهٔ خواهي کرد ۽ آيا آيا ۽ انداز ۽ انداز

پرسید . مثلا حطور مثلوب مبدوم ی

در جواب و دوموك فقط كفت : كوش بده . 🏄 وجون و کبل خواست از اطاق خارج شو د بود . نظمش داشت و کفت : بنو مبکویم کوش أَبِهُم مَنْ يَكُ أَكُلُّمُهُ أَهْ يَكُونَ بِاللَّوْ حَرْفَ دِارِمٍ أَوْ دُو بُوكُ مِنْ

و دو برك ، كم الم آنوقت بها الكمال آرامي صحبت مبكرد ، غضناك شد و مشي بر "مين كو فته كفت خبر أخبر الممكن نبينت أو المبتجو قت از ابن بابت أَمْنُ حَرِفَ مَرْنَ خبر أَمِمكن المِسْتُ السَّقِيدِ ع الله وقت با كمال غيظ شروع براه رفتن كرده كنت ؛ مكلاريش فيها يستني شخصا ، الرد من بهاید و با عجز و لایه از من نقاضای عفو کند . ولني اسلحه همراء نباوردو ، مثل دفعه اخبر خبال حِنَا يِتِي هُمُ ﴿ دُرِ ۗ سَرٌّ لِدَاشَتِهُ بِالْبُدُ ۚ فِبَا بِدُ وَ الرَّ مَنَ معذرت خواسته مطايع من شود و هرچه مېگويم المنبغود را حفظ کنی تيذير د ... محكومت وزيلبره آخرين حربة من است ... بمدت سال است . كه باي موقع ممكردم و ا كنون وقت انتقام من رسيده است ، آيا ممكن أَسْتُ كَهُ أَرْ أَنْ صَرْفٌ لِنظر أَنْمُودُهُ أَوْ رَبِّلِهِم أَهُ رُا

اخنده حقارت آمبز و وحنبانه ای بر لبانش است که و زیلبر ، را در حبس نه، میداریومرا

الله بينك - دشمن إسبر مبديد - أيس دهان كتوده ﴿ إِزُوهَا عِنْ الْوَرِهِ ﴿ كُرُ فَنَهُ أَنَّ إِلَّهُ مُؤْمِثُونُ مِنْ خُودِينَ ﴿ ﴾ تکلیف ﴿ او ایلت که ما دام « مرزی ، را فراموش ﴿ كَنْنَ ﴿ وَ وَسَنَّ أَرْ حَرَكَاتَ رَشَّتَى كَهُ غُدُقٌ وَخَسِّدُ و نورا به آن وا داشه است بکشی و فقط نفع شخصی

و حدد ابدایا منافع من مربوط نہـت -أو پن كغت : لا كنون شايد اينطور يو ده مع و الى حالا كه من در كار أو دخا لت كردم ديكر ا ينطور نحو اهد ماند . نو بك خطائي رامر أكب المتعوى كه بر مررت أمام خوا هد شد و آناين ا

لوجه لنها لي انجام خواهي داد ٢ و كن : الماء برسمه : آخر بين أو و سايرين حر فاو اي

ي كنت: آرى . پرسبه : مزیت أو بردیکران حبت ؟ ﴿ جُوابُدَادُ : "مَنَ اسْمُمُ ﴿ آرَسُنَ لُو بِنُّ ۗ ﴾ آست ﴿ إِلَّوْ بِنَ دُسَتُ أَزْ ۗ ﴿ دُو بِرِكُ ﴾ بُرِدَاشَتِه بُود ، وَ لَيْ نظر نافذ و. مقتدر خود را از او بر نمهداشت م كهل مجلس، أز حجا أبر خاستٌ و مشتَى أبرُ شاءَةً او كو فته كفت : " اسم من هم د دو بوك ، است ، سر نا سَرَ عَمْرُ سُمِينَ بَاوَقَا يَمْخَطُرُ نَاكُ وَ كُو نَا كُونَ الْمُبَخِّنَهُ بوده ، أ نقدر در كارها تبات فدم وجديت بخرج دادهام که همېشه فتح و ظار نصب من شده است نظمیه، حکومت، کابه فرانسوی ها و بلسکه اسام

عالم ، بامن دشمنند حه مبشود و جه اهمبتنيخواهد

ا داشت اکر آقای و آرسن اوپن ، هم یا ن دشمن

ار شو ند ، منهم در مقابله با آن ها جدی آموو الجدور الرخواهم شد ، جناب منهو ﴿ أَ كُرُ مَنْ بقدرتُ خود عظمةن قبودم تريال كنون شما را يستكبر اكرية أورية إلى المين الميرده الودم أن يس الدانبد كه حِوْنَ بَازَادِي شما وقع و أهميتي نميكندارم فيشما اصرار می اکتم که نا سه قبته دیگر خودنان را ازخانه من بهرون المدازيد و والاكر فتار خواهبد شد َ لَوْ بِنَ لِمُ كَفَّتُ : يُسَنَّ ﴿ آ نَجِهُ كَفَتْمُ ۚ أَيْمَهِيدُ بِرَى أَ وَجُوابُ دَادُ: خَبِرُ ﴿ وَمَنْ لُوا مَمْ ﴿ كَفَيْنَهُ هَا فِي شَمَاوَا قَبُوْلُ كَنْمُ : كفت : بنابر اين و ژيلبر و اخلاص نخواهي the second rice of sign حَوَابُ دَادُ : بَرُ عَكُسُ مُ بَطُورٌ غَبُرٌ مَسْقَهُم

شوند . هر قدر که دشمنان من قوی ار و ماهر

ر أبس بابس المجبور خواهم كرد كه رود فر أو را بدست جلاه بسياره . المالة ا لوین با کمال شتاب گفت : پس نا کنون هم او باعث محکومیت او شدهٔ ی بر بر او ی بر م أ شبعه شبه المح المدار المدارد الدارد المدارد

فنبغ الككرافني هم بايالت مخابيه تمودند

الزاع بين روسا المراج الم

المسترم عده في آواي مُعتصم الملك

و أبس خا لسجات زنجان دو فقره باك

یکی امورخه ۱۵ حوث و یکی مورخه ۱۷

خوصر تبس يدف إفهش آن اها را مبنويسد

و میںکویا، کہ امروز ۱۷ حوبت است

كاويغهد ذويا كتارا بأبديها حوت بنويدبد

وأقاى معتصم الملك بناى فسعاشي وابذ

أيحوثن والمنتبط برالبض كدارده الأكملته

اخط فو را تيوب ميزنم بو نبيج ميت

مبخواهد يست حا العطيف والبعقام او لباعد

الود المكرافة والمالم لمايد بعد احسب

الوظيفه بالمقارأ حركت داده و الفصيل

فاابن تبس متبوعه شنودشان المكرافا اطلاع

Later of the state and so

خابره المعبدة انتجار وقتل بالما يهرم

والمسائد بأعلايره منا أخالار ها يوف بواسطه

حَكَمَا لَتِنْ يَكُمُ اخْبِرًا دَجَّارٌ أَشْدِهُ رُوزُ سَهُ

شنيه در قبريه الفاوت إخود را از بام

بزير انداخته دار فاني را و داع كفته

بوادران و ظایفه اش در آنجا و بعددر

شهر متنول غزا دارى خواهند شدسلطان

هدا بتالة خان رئبي جديد قواي ولايات

تروت 🍎ی پیر کئی امتوای نهاو اد و

ال الويمنيكان بحر ، كت رؤم و در در در بين

معامات ساحق سرداد نزاع و یکس از

ميروحين فوت شلو است

والمرابعة المرابعة والزلم المرابعة

مامق ـ ديث منت ساعد از

شب که شته و لزله سیختی آمد و خانه ها

I waste to a water to proper to

وين دين

تمره ٦ وجوهي كم از آقايان محصلين دوره هاي عنابي و اخين داد الفايين برای مجیمه امیر کیمیر دو خدی و دلو واسل شده است

أذاصفهان أوسط آقاى متعاصب الدولة: [ازرعت الوسط آقاي و كترسم بد الملك and the same of th آقای معاسب الدوله معاسب الدوله

عَ أَدْ كُتر مبنهج خاف حا فقل السعة " "١٠٠٠

ه د كترة احتشام الحكماء مناه المدين وه

شُخَاصِل الْمِعْمِ النَّمْ الْمُعْمَّدُ اللهِ المُعْمَّدُ اللهِ المُعْمَّدُ اللهِ المُعْمَّدُ اللهِ المُعْمَّد

- د کتر حکیم اعلم بست و ماه

ـ مبرز احسنعلمخان أبس أ فبار كمرك ،

ـ سرهنك فعلاق خان الله و دم اله

ت معتضدا لدر له

الملا يدم الله الله الله ما الله

تُ د كنر امين الله خان " " " "

ـ دکثر جوادخان 🛴 🚉

. مبرزاعلیخان مهندس

دو اتی

الم و كتر شمد حديدان

اله مبرزا عباسخانور أوسي

أذكر ما نشاهان

بمهندس الممالك بديونيه

م قاعم مهندس السمالك

و كتر شيخت الملك

وياور عبدالمتمبرزا

م دركتن وفيع الممالك

. مهرز ا محمدعلي خان معلم مدرسه

آقاى د كار الفعليد الملك الله المام م مردا محين، خال، قريب أيدا يروه ۔ دکتیر شاہتی خان زهری ہے ، مہم - صحت الملطنة على المعادر ت شاهزاده فعمد جعار مبوقا م شمس الحكماء حاسل جمع . المراجع المحافظ الم

The second of th آقای کمال آلوزاره - مُبرزُّا تحدَّنَ عَالَيْ رَوْبِهَا اللهِ ئے زمان خان ۔ معاسب الوزاره الوالحان الحاق الأغ الم 1 47 7.5 -و سبد محمد عليخان موشيار

خامة ١٣٣٨ مل ومد مبلنن ك سابقيا والنال شياه يودوه ر بغریده ایران ۱۲۰ جدید کهدید ی روا ميوان كلوية المدهدية المعالم الموالية الم شوارة وجوندي كا عد أبن بيعدج واسل مسود در بالن المناه المناه أَخُو اعدُ شِعْ اللهُ in the second آلمان دعوت مبكنندكه هر هفته ليلبنات برعلبه اد نجاع که از ۱۸-۱۱ مارس خواهد بودشرك كنده شعار تعايشات نقاشاي اشكيل حكومت كارسرى مبياشد والم

> حندی قبل کتاب، ایخلافت اسلام و مجلس كبير ملى عثماني كم أز نا ليفات بكن ازو كلاي دسته دوم شخاجي شكري و کبل است از طبع در آمده در کتاب مز بور اشعار مي شود كه لأزم است خلبنه را و أبس طبهعي مجلس شناخت دو مدت هفته المام جرا ألد مملق إز مقالا لي بود كه برعلبه ابن كتاب نمارش بافته بوده پاس از چندی نا ایف رازق افندی که او نهزازو كلاات و درر د كتاب فوق الذبك المف كرديده از طبع در آمده مدعى العموم كل يېشنها دى به مجلس كبېر ناود كه حاجي شكرى نويسنده كتاب خلافت اسلام يمحاكمه حلبشود انتظاو مبرود كهدرهمين نزديكي ها اين مدهله در مجلس كبهن مَعْلَونِ مُوفِي عِي ﴿ رَبُّ مَ مُ ﴾ ﴿ commendate to the state of the second على المستمكل المحفظ خلاقت عادمند وستان الخبراءيه توعظما سغبين عتبالتي مقبم ووم المكرافظ خيل راء به المساني و كمال براشا الرسال معودة است و هندوستان متهدد ومنسوش واطيه مسلمين اعتدأه كامل نؤر وانسبت أيشما اظهال داشته وحضور خود وأ والى ابران منه موسع مساحدت اعلام المبدار فلا بالمنافية والله الم

جرا أله الم تقوم تشميم وحواي ديل عوا حكه الوحل شرف به كتبته سلمه فله علافت هندوستان در کلکته ا نیخانی کر دیده آبست اشاعت دادند و: بدور فرنده و مده ١) كمبته خلا فت عدالم اسلام را أزا انتجاب عبد المجبد بــ مسد خلافت البريك مبكويند . ٧ ﴾ أنتخاباتُ بِزُ طَبِقُ أَوْ لَبِياتُ مُقَوَّرُهُ

وأتظابق شرايعت اسلام يفالماة آمده الثت ٣) كميته كل الشكرات عود ارا بمقام حكومت مجلس كعبد ملي عدما نو قديم ميدارد والمال منتال المناه ٤) كمبته كل خلاف لصوب و مقروداشت كه بمناسيت أنتهنا بعيدا لمجبد بعقام سنلافت در الهام هندوستان بيشنوه عبد رسَوْ فَتُمْ شَوْدُ ﴿ إِنَّ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ عِمَا ﴿ ﴾ دُو طُو رَبُّتُ وَرُبُّو دَ خِلْمُهُ مِحْلُو عَ ا بهندوستلن كابه مللمين مكلفند كممثارالبه والمايكون كننداه المالي والمراجع الرام ٢٠) كسبته أهالام مبدارد : اكره قول ارتوايا كجسارة وترزيعوه مقام خلافت والمتعقبورو يا بخواجند امكنه مقدشهرا العتاطاعت خود در آور ند مسلمبن باكلبه قوای خود بر علبه این اقدام نیارزه خواهند نمود ﴿ ﴿ بِ . م ﴾ . ﴿

نظریات خو ای دار قد [ر] was the second of the second

🧗 🖟 آخرہ 🗡 🗀 اعروزجلسه 🎢خرسال مصطفى كمال ياشا دوساعت ونهم راجع بدسائل سماست داخلي وخارجي عنمأني نطق نمو ده و منذ کر شد که امروزه بیش از هر زمانی میباشد . عقد قرار داد اجار المي مق مقاولات ديكر بين اين دو

و مُطَلِّقًا إِنْهُمُ شَهْرَاتُ إِنَّهُ شُود كُمْ الطنترا كبوت خبال عازند اعتضا بأت حديدي عُورِ "مُعَادِكُ وَقَالَ " فِلْ إِلَى " أَمْ لَيْتُ أَمِنَاهُ مِنْهُ مِنْهُ وَأَ ر علبة انتظامات مملكت توطائه وما يد ج ماين أنفر أوا الأر المؤيك و آن وي و رابر ع و (شار اروا) و كاتبت دستكبر كرده المد والوالمثله عمل المر رؤسای اشترا کون مساشند 🛴 (ز)

برأن – او ابای امود اشغال کنند کان اجازه دادند که آرزلق از کارنسرورا الأنكبة حمل وخارج شود مشروط بر اینکه فه ادر کند قبیمت باخناس بمنفقت كمراد فرانسه محدوب شود أوا

ما بدر أن عد فرانسها در كان ميلم . • علبون ماركى كه براى نادية حقوق مبتيخدمين رأه آهن وازد شده بو دنو قبف كردند در ماينس فرانسها لبدر ألحاد مَجِلَى كَارَ كُرِاقُ رَاهُ آهِنَ رَا نُوقَبِفُ نمو دند نُصْدُ مَامُونُ وَتَجُونُ الْمُعَادِيهِ رَأَ الهن او قبف كردند ال

دمو یکرات و کمونست مرکزی بیانبه عمو می انتشار داده و آز جوانان رنجمر

واشارا موهكم لمودر بهواريه فساد وإمل شود و راجع ...بهجل قما یای معوقه

المعاروم المالية المالية ت الله المنين) در جواب سأو الها و در مجلس مهمواتا فانستنون اظهار رداشت كهجده قوابي فرلضه فال يا لملق انضمام باحيه روهو هيازت از مدورشا ننهه خوار انفو مبداشد ردر شور لبك قبل از الشغال روجر عده قوا بش از ۹۱ هزمار غفر بود (ن)

(; ;) the same in

بر أن ٤ ــ مقامات جو إنان سُو سَبَّالُ

المراني الوسيل راني فيات

كارار فيأت يا كمال احترام بمسافرين حضرت معصومه بشارت مبدعد كه الرآى واحتى مما فرين الوميهل هائ بسهار سريع السهر حاسر معموده وعطا لمدين مُبْتُوا نَنْد بِقُوا أَنُو مِبْهِلُ وَا مُلاحظُهُ مُمَا يَد مُنْدُ مِنْ الْعُلْمُ أَمْا يُد مُنْدُ

محل فروش بلبط ، باترار الممحة حاجي أقحمه اسمقيل الحاوت: الحادا الحالي. و دا خود کاراژفهات بر به نامه به منافق یا در در این از در اعلان ۵۸ . La Contract the state of

بريه بدينها وضعبات ، و مان انعتما د كنفرانس لوزان مجدرا ممتقر شعه و مولت آزادی کامل برارد کم در خصوص مواد ارفتصا مي داخل مذا يكرم شده يا آن ما را ناموقع المضاي معاهده صلح بتلاخهر المدالاد معافل براهمتهم اسلامهول منتظير هستند بهزودى فيهشنها دات دوالت

مجلس كببر أملسي عثماني انعقاد بإنت ا لحاد دوستا نه عُثما نسي بَا رُوسبه ساو بي المملكت المما للي كه دو همين واوز هاي الزديك طرح مخواهند شده براوا

> وا جند حرك داد كم اغلب مر دم أز خُوابُ بُبُدارُ عُدند ولي خُرابَيْ مَكَارَةُ و كسندم سفروات توازنه تؤمان ونبتم غبو دملوخانوجهارهزار آحنار بعشهد ورحاف - حدالحكم اس لشكر

المراق ميا شرى " املالا " سماوت الملك والمجدوا بخود مثار البه واكدار و العابل متفار المبع فراءهم الغيرا الشكر المشهد أاحتار فنوره لغدا وعاياي فاروج ايمعل سنود عداجيتن كردند ي ال

المارمارهم الماسم

وملح يا مثماي المبدء المراد

المنا در منعا فل مواقعه احتبن اظها يعقبده ﴿ وَيُشْوَى أُوْجُودُ آيِنَ كُمَّ آنَكُ مَانَ عَظُورُهِ ثُو. عمامت بخود روا واجع بمقروات معاهده ألونزان الماييد امينها يد معدما بي مبل نبست أأبطوراكم لمركها وإبثاثها والنودد اند المدار كوات خاج والجديد فما يلا مشهوط فاين كه الركها أابت كنند سكة حقيقة مايل وبديهما شدق وا مرحلي براي بيمنيه وقينايا مباشد

یه به این ایم و و و در این در این در این در این در این در این معلوم حکومت و اثره بر ا فراطبون منافر بت كامل حاسل كرده است در شور لیک اینان افترانات شدیدی آه وبشنها قات متقابله وولت من ودَّند راي اعتمادی که از طرف اکثریک مگجلس أبلوك داءة شدفها اند شمشبر براني * عا أمه أنه أمخا المتهاى * أفر الطبوين داد و مخصوصا ابن پنین آمد موقعیت عصمت

الما المانية المادية مركزور كورك الدعامر إلى المدارية الله وتحشيه ٧٤ خوت و١٠٠١ أبعث على والعدوا العداد العدو العدوا كر الماى ماهر المع المعرض أوما إلى الكذاراده معشور معمور المعالم والمعلم المعالم برای مساعدت بمفارف کار کران در شاوری بیلیط بعثا بند رسید و است ندره اعلان ۷۶ استان ۷۶ اعتان ۷۶ داهنماه و ۱۳ واعتان

المالا مشاق المالات المالات

ابر.	-dalso	إنس	- لېزه ا	شلبنك	* پائش	ه تکی س
1 X	, · · · · · · · · · · · · · · · · · · ·		7	- 1 /3 - 30 ·		سهام والمك شاهنشا هي يده ه قرشه ۱۹۱۱ مولت ايزان ه متعارفي كمياني تفت جنوب ه متعارفي حديد و وو

و رس یاریس	بورس طهران المعالمين
الدن ، و الله المال الما	الله المعالم المعارد ا
تورورك ما ١٩٠١ م	لندن مكتوبي ٩٠ ـ ١٠٠٠ ال
المان	، المكرا في ٥٥-١٥ (٥٠) ٥١-١٥ باريس الم
4. 4 - 4 - 4 - 4 - 4 - 4 - 4 - 4 - 4 - 4	سويق الله المدينة المد
نقره لندن قد الماردية ٢١	نوليورك عام ٧٠٠٠٠ ا ٢١٠٠٠ والم
	, 161

مطبعه بن سفول